

ترجمه و شیوه‌های ترجمه در تحریر خُتنی جیوکه‌پوستکه

مجید طامه (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: بخش عمده‌ای از متون به‌جامانده از خُتنی ترجمه‌هایی از زبان‌های دیگر مانند سنسکریت و تبتی هستند. از همین رو، ترجمه همواره نقش مهمی در خُتنی ایفا کرده و ترجمه درست و صحیح از مهم‌ترین مشغله‌های ذهنی مترجمان خُتنی بوده است. طبیعتاً سبک و سیاق و میزان دقت ترجمه در متون دینی و غیردینی خُتنی متفاوت است. در این نوشتار ترجمه و شیوه‌های آن در تحریر خُتنی جیوکه‌پوستکه (*Jivaka-Pustaka*) که برگردان متنی به زبان سنسکریت است بررسی می‌شود. در این بررسی مواردی چون نحوه کلی ترجمه، شیوه «ترجمه ارتباطی» و «ترجمه معنایی» و میزان پایبندی به این دو شیوه، شیوه‌های ترجمه همچون وام‌گیری، ترجمه قرضی یا گرده‌برداری، ترانهش، تعدیل، و... بررسی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، شیوه‌های ترجمه، سنسکریت، خُتنی، جیوکه‌پوستکه

۱. مقدمه

زبان خُتنی یکی از گویش‌های سکاایی است. سکاها قبایلی ایرانی تبار بودند که در طول دو هزار سال (هزاره اول ق.م. و هزاره اول میلادی) در قلمرو وسیعی از سواحل دریای سیاه در غرب تا مرزهای چین در شرق زندگی می‌کردند. تنها آثار بازممانده از زبان سکاایی باستان

تعداد محدودی اسامی اشخاص، قبایل و مکان‌ها است که در کتیبه‌های فارسی باستان و آثار مورخان یونانی آمده‌است (رضائی باغ‌بیدی ۱۳۸۸: ۳۶؛ اُرانسکی ۱۳۸۶: ۹۳). خنتی از جمله زبان‌های سکایی میانه و از زمره زبان‌های ایرانی میانه شرقی است، از همین رو با دیگر زبان‌های ایرانی میانه شرقی مانند سغدی و خوارزمی قرابت بیشتری دارد تا زبان‌های ایرانی میانه غربی. به‌طور دقیق نمی‌توان گفت که این زبان از چه زمانی در سرزمین ختن رواج یافته، اما به احتمال زیاد از سده سوم میلادی زبانی رایج در ختن بوده‌است (Emmerick 2009: 373). درباره‌ی زمان منسوخ شدن این زبان نیز به‌طور دقیق چیزی نمی‌توان گفت جز اینکه احتمالاً مقارن با فتح این سرزمین به دست مسلمانان در اوایل سده یازده میلادی بوده‌است (Ibid: 411).

باتوجه به آنکه بیشتر متون خنتی ترجمه‌هایی از متون دینی بودایی است، سنت ترجمه و شیوه‌های آن در این زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واژه‌ای که برای «ترجمه کردن» در خنتی به کار رفته byūh- تحت‌اللفظ به معنی «انتقال دادن [از یک مکان به مکان دیگر یا از یک زبان به زبان دیگر]» است. در آغاز فصل بیست‌وسه از کتاب زَمَبَسْتَه^۱ یک دفاعیه طولانی در دفاع از ترجمه آمده و در آن مترجم از هم‌زبانان خنتی خویش گله کرده که چرا به ترجمه خنتی متون بودایی به اندازه اصل آنها بها نمی‌دهند. مهم‌ترین نگرانی مترجمان خنتی همواره این بود که در ترجمه یک متن حتی ذره‌ای از متن اصلی منحرف نشوند. در این باره در پایان فصل نخست زَمَبَسْتَه چنین آمده‌است «از آنجاکه این را به خنتی برگردانده‌ام ... از همه بوداهای سرور پوزش می‌خواهم برای هر معنایی که آن را بد ترجمه کرده‌ام» (Emmerick 1968: 9). همچنین، برپایه شواهد تاریخی ذکر شده در منابع چینی تسلط خنتی‌ها به زبان چینی تا به آن حد بود که برخی از متون بودایی را از سنسکریت به چینی ترجمه می‌کردند و نام برخی از این مترجمان خنتی در منابع چینی ذکر شده‌است. باتوجه به متون موجود می‌توان گفت، خنتی‌ها با زبان‌های سنسکریت، پراکریت، تبتی و چینی آشنا بودند و حتی در آثار تألیفی خود نیز از واژه‌های این زبان‌ها استفاده می‌کردند (نک: Bailey 1982: 43؛ Kumamoto 2012: 143-144).

1. *Zambasta*

یکی از متون مهم پزشکی به زبان خنتی دست‌نویس Ch. ii 003 است که شامل ۷۱ برگ است، و به سبب آمدن نام جیوکه، پزشک مخصوص بودا، در آن پیلی آن را جیوکه‌پوستکه («کتاب جیوکه») نامیده است (Bailey 1983: 1233). این دست‌نویس دارای دو تحریر سنسکریت و خنتی است. متن سنسکریت منظوم و در قالب شعری شلوکه^۱ سروده شده اما ترجمه خنتی این متن به نثر است. تاریخ دقیق نگارش تحریر خنتی، به طور دقیق، روشن نیست و، تنها، با توجه به آنکه زبان خنتی به کار رفته در این نسخه از نوع خنتی متأخر است و سنت نگارش به زبان خنتی از سده یازدهم میلادی منسوخ می‌شود، زمان نگارش آن را می‌توان، به طور تقریبی، اواخر سده دهم میلادی دانست (نک: طامه ۱۳۹۵: ۸۰-۸۴; Emmerick 1992: 60).

به طور کلی درباره ترجمه و تعریف آن می‌توان گفت که ترجمه فرایندی است که در طی آن یک متن یا گفتار از یک زبان به زبان دیگر برگردانده می‌شود. بنابراین، با دو نوع کلی ترجمه مواجه هستیم: ترجمه شفاهی و ترجمه مکتوب که هر کدام از این دو شیوه نیز دارای انشعابات ریزتری است (Catford 1978: 1; Bell 1993: 13). از آنجاکه، در این پژوهش با متن مواجه هستیم در اینجا صرفاً به ترجمه مکتوب می‌پردازیم.

از میان مهم‌ترین شیوه‌های ترجمه مکتوب می‌توان به دو شیوه ترجمه ارتباطی^۲ و ترجمه معنایی^۳ اشاره کرد. در ترجمه ارتباطی خواننده مهم‌تر از نویسنده و اصل پیام به شمار می‌رود و مترجم در این شیوه سعی می‌کند تا متن ترجمه‌شده را تا حد ممکن برای خواننده مأنوس سازد. بنابراین، در این نوع ترجمه همیشه این احتمال می‌رود که متن ترجمه‌شده کاملاً مطابق با متن اصلی نباشد. اما، در ترجمه معنایی، برخلاف شیوه ارتباطی، پیام متن اصلی است که در اولویت قرار دارد. بنابراین، در این ترجمه همواره این احتمال وجود دارد که ساخت‌های صوری و معنایی نامأنوس متأثر از متن اصلی در ترجمه راه یابد و عملاً خواندن و فهم آن را دشوار سازد. همچنین، آنچه به ترجمه تحت‌اللفظی و آزاد مشهور است،

۱. śloka: وزنی است در شعر هندی که در آن هر بیت دارای چهار پاده (pāda) هشت‌هجایی است.

2. communicative translation

3. semantic translation

به ترتیب هم‌سو با ترجمه معنایی و ترجمه ارتباطی است (صفوی ۱۳۸۸: ۱۶).
 در مجموع، در هر نوع ترجمه‌ای شیوه‌ها و فنونی به‌کار می‌رود که آنها را می‌توان در دو رویکرد مستقیم^۱ و غیرمستقیم^۲ بررسی کرد. مهم‌ترین شیوه‌های رویکرد مستقیم عبارت‌اند از: وام‌گیری^۳: این شیوه اغلب هنگامی که زبان مقصد در دایره واژگانی‌اش برای بیان یک مفهوم دارای خلأ باشد اتفاق می‌افتد، یعنی همان صورتی را که در زبان مبدأ به‌کار رفته به وام می‌گیرد. گرده‌برداری یا ترجمه قرضی^۴: این شیوه خود نوعی از وام‌گیری است، اما در این شیوه هر کدام از واحدهای یک واژه به‌طور لفظی در زبان مقصد ترجمه می‌شوند. مهم‌ترین شیوه‌هایی که در رویکرد غیرمستقیم به‌کار می‌روند عبارت‌اند از: ترانهش^۵: این شیوه در سطح تغییرات دستوری دیده می‌شود و عبارت است از تغییر طبقه دستوری یک واژه در زبان مبدأ به طبقه دستوری دیگری در زبان مقصد بدون تغییر در معنی. تعدیل^۶: در این شیوه در نحوه بیان یک مفهوم در زبان مبدأ و مقصد اختلاف وجود دارد اما در اصل مفهوم هیچ تغییری صورت نمی‌گیرد. بارزترین نمونه این مورد بیان مفهومی واحد در زبان مبدأ و مقصد به ترتیب با جمله مثبت و منفی یا بالعکس است (Fawcett 1997: 34-39).

۲. پیشینه پژوهش

علی‌رغم آنکه بخش عمده متون به‌جامانده از خنتی ترجمه هستند، درباره ترجمه و شیوه‌های آن در خنتی تا کنون فقط چند پژوهش انجام شده است. نخستین بار امریک در مقاله‌ای کوتاه درباره مقدمه تحریر خنتی سیدّه‌ساره^۷ به نکته‌هایی مختصر در این باره اشاره کرده است (Emmerick 1983). بعدها دِگنر نیز به این حوزه وارد شده و درباره شیوه‌های ترجمه در تحریر خنتی و جره‌چهدیک^۸ به ذکر معادل‌گزینه‌هایی که در این متن برای اصطلاحات سنسکریت به‌کار رفته اشاره کرده است (Degener 1989). شروو نیز در مقدمه کتاب «سورنه‌بهاسوتمه‌سوتره»^۹ به ذکر کلیاتی درباره ترجمه در تحریر خنتی این متن پرداخته است

1. direct

2. oblique

3. borrowing

4. calque

5. transposition

6. modulation

7. Siddhasāra

8. Vajracchedikā

9. Suvarṇabhāsottamsūtra

(Skjærvø 2004: 1/ 76). درباره ترجمه و شیوه‌های آن در تحریر خنتی جیوکه‌پوستکه تا کنون هیچ تحقیقی منتشر نشده است.

۳. بحث و بررسی

چنان‌که گذشت تحریر خنتی جیوکه‌پوستکه دارای ۹۲ بند است که از روی متن سنسکریت آن ترجمه شده است. این متن از دسته متون غیردینی است و شیوه و روش ترجمه در آن با متون دینی به طور کلی متفاوت است. یعنی برعکس متون دینی که دارای قداست هستند و مترجم همواره سعی در آن دارد تا در ترجمه به پیام اصلی متن خدش‌های وارد نشود، در ترجمه جیوکه‌پوستکه مترجم سعی کرده است تا متنی قابل فهم و ساده برای خواننده زبان مقصد، یعنی خنتی، فراهم آورد. از این‌رو گاه شاهد ترجمه‌هایی در تحریر خنتی هستیم که به لحاظ تعداد واژه‌های به کاررفته در آن چندین برابر متن اصلی است. این امر بدین سبب است که مترجم خنتی به جای معادل‌گزینی برای اصطلاحی خاص در متن اصلی، غالباً، آن اصطلاح را شرح و تفسیر کرده است و همین امر سبب شده است تا تحریر خنتی از نظر اندازه و مقدار با متن سنسکریت مطابقت نکند. البته این موضوع در بیشتر موارد سبب سهولت در درک متن اصلی شده و فقط در موارد اندکی افزوده‌های مترجم خلاف آن چیزی است که در متن اصلی آمده است. در این مقاله ابتدا به بررسی شیوه کلی ترجمه در تحریر خنتی جیوکه‌پوستکه می‌پردازیم و سپس به شیوه‌های متفاوتی که در ترجمه این متن به کار رفته اشاره می‌کنیم.

۱.۳. ترجمه ارتباطی و معنایی در تحریر خنتی جیوکه‌پوستکه

در ترجمه خنتی جیوکه‌پوستکه هر دو شیوه ترجمه ارتباطی و معنایی به کار رفته است. البته کاربرد هر یک از این شیوه‌ها در بافت و شرایط خاصی اتفاق افتاده است که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد. در مجموع می‌توان گفت که ترجمه خنتی جیوکه‌پوستکه بر پایه روش ارتباطی استوار است و مترجم در ترجمه چندان وفادار به متن اصلی باقی نمانده است و سعی بر آن داشته تا متنی روشن و قابل فهم برای خواننده خنتی زبان فراهم آورد.

۱.۱.۳. ترجمه ارتباطی در تحریر ختنی

چنان‌که گفتیم تحریر ختنی جیوکه‌پوستکه را با توجه به موضوع و غیر مقدس بودن آن باید از جمله ترجمه‌های ارتباطی به‌شمار آورد. بنابراین، مترجم ختنی در ترجمه چندان به متن اصلی پایبند نبوده و صرفاً کوشیده متنی روشن و قابل فهم ارائه دهد. به همین دلیل در هنگام مقایسه ترجمه ختنی و تحریر سنسکریت آن، در ترجمه ختنی با واژه‌های زیادی مواجه می‌شویم که معادلی در متن اصلی ندارند یا توصیفی هستند برای واژه‌های متن اصلی. برای روشن شدن این امر، یک جمله از متن اصلی و سپس ترجمه ختنی آن را در اینجا نقل می‌کنیم.

5.5. jīvanīyānviṭaṃ pakvaṃ kṣīreṇa daśa-mūla-vat etad evākhilārti-ghnaṃ mahā-kalyāṇakaṃ smṛtam

افزون بر [گیاهان] زندگی‌بخش، باید [گیاهانی] مانند ده‌ریشه را با شیر جوشانند. آن نابودکننده همه بیماری‌ها است، مشهور به مهاکلیانکه است.

5.5. khu hā ttī jīvanīya arve yānīde jīvaka raṣabaka meda mahāmedā kākautā kṣīra-kākautā mudga-parṇa māṣa-parṇa jīvatta mahābāmja ṣā' paṇa arva dvī dvī mādāṃgye tta pā kekaṇa tcerā ḥamaṃga rūṃ ṣvīda tcerai gvīha' rūṃ u daśa-mūla jsa kaṣā' bela-mūla agnamatha syāṇāka pāṭala kaśmīrya-mūla sāla-parṇa ppraśna-parṇā brrahatta kaṇḍāryi drraṃgūlyai tta hālai hālai sera kṣasā śaiga uca jsa jṣāñāñā khu ra va tcahau vasīyā harṣta ṣa' beva va pīrmāttāmye ra haṣṭā baina āchā jaidā mahā-kalyāṇai nāma bausta ṣṭe ttara jaida u sparśa' jsa hamya āchā jaidā maṇḍalaña ṇa pāchai kalyāṇī rūṃ

پس داروهای زندگی‌بخش (jīvanīya) را افزایش (anvita): جیوکه (-jīvaka): Terminalia tomentosa، ریش‌بُهکه (-rṣabhaka)، مِدَا (-medā)*، مَهَامِدَا (-mahāmedā)*: Erythrina indica، کاکولی (-kākolī)*: Luvunga scandens، لاله واژگون، مودگه‌پرنی (-mudga-parṇī)*: Phaseolus trilobus، ماشه‌پرنی (-māṣa-parṇī)*: Phaseolus radiates، جیونتی (-jīvantī)*: Cocculus cordifolia، شیرین‌بیان، همه

این دارو[ها]، هر یک دو ماچانگه (واحد وزنی^۱) [لازم است]. سپس آنها را باید به‌شکل خمیر درآورد. به یک‌اندازه روغن [و] شیر (kṣīra-) افزودنی است، روغن گاوی و جوشانده‌ای از دَشه‌موله (daśa-mūla-vat): ریشه بکرایی، اگنیمنته (*agnimantha: Premna spinosa)، شیپوری، پاتله (*pāṭala: Bignonia suaveolens)، ریشه راش، یونجه، پریشنی‌پرنی (*pr̥ṣni-parṇi: Uria lagopodioides)، تاجریزی، بادنجان برّی، خارخاسک، این‌ها هریک نیم سیر، با آب [به اندازه] شانزده شینگه (واحد وزنی) جوشاندنی (-pakva) است، تا آنکه چهار وَسیه (واحد وزنی) باقی ماند. آن، هشتاد بیماری بادی را در نخستین باد نابود می‌کند. با نام مهاکلیانکه (-mahā-kalyāṇaka) شناخته شده (-smṛta) است. تشنگی را نابود می‌کند (-ghna) و بیماری‌های (-ārti) به‌وجودآمده از تماس با دیو را نابود می‌کند. در مندل (گروهی) پختنی است روغن کَلیانیکه (-kalyānika).

چنان‌که از ترجمه خنتی به‌روشنی مشخص است، مترجم در اینجا سعی کرده‌است علاوه بر استفاده از اصطلاحات تخصصی طب هندی مانند -jīvaniya و -daśa-mūla آنها را برای خواننده خنتی قابل فهم سازد. از این رو به ذکر تک‌تک گیاهانی که این دو اصطلاح بر آنها اطلاق می‌شود مبادرت ورزیده و به همین سبب نام گیاهانی در ترجمه خنتی آمده‌است که معادل مشخص در متن سنسکریت ندارند. نکته دیگر آنکه در متن اصلی هیچ اشاره‌ای به میزان و مقدار داروهای ذکرشده نیامده‌است، اما مترجم خنتی به‌صورت دقیق به ذکر میزان هرکدام از داروها اشاره کرده‌است. این موضوع نیز صرفاً برای قابل فهم‌تر شدن ترجمه صورت گرفته‌است و می‌توان گفت با موضوع متن اصلی مغایرتی ندارد. اما در پایان این بخش در ترجمه خنتی به مواردی اشاره شده که هیچ معادل مستقیم یا غیرمستقیمی در متن اصلی ندارد و مترجم آنها را به ترجمه افزوده‌است. از جمله این موارد است «هشتاد نوع بیماری بادی»، «تماس با دیو» و در «مندل پختن» این دارو.

در کل باتوجه‌به ترجمه خنتی جیوکه‌پوستکه می‌توان گفت، مترجم خنتی برای آنکه

ترجمه‌ای روشن و مفهوم ارائه دهد از فنون و روش‌های خاصی در این متن استفاده کرده‌است که در اینجا ابتدا آنها را فهرست کرده و سپس شرح می‌دهیم. شیوه‌های به‌کاررفته در ترجمه ختنی از این قرارند: ۱) ترجمه ساده، منظور از این نوع ترجمه آن است که برای هر واحد واژگانی متن سنسکریت یک واحد واژگانی در ترجمه ختنی انتخاب شده‌است. ۲) معادل‌گزینی یکسان، منظور از این اصطلاح آن است که برای واژه‌های مترادفی که در متن سنسکریت به‌کار رفته‌اند در ترجمه ختنی صرفاً از یک واژه یکسان استفاده شده‌است؛ واژه معادل می‌تواند بومی یا دخیل باشد. ۳) ترجمه توضیحی، منظور آن است که به‌جای به‌کار بردن یک معادل برای یک اصطلاح خاص در متن سنسکریت، آن اصطلاح توضیح و شرح داده شده‌است. ۴) ترجمه دوگانه، منظور آن است که گاهی در ترجمه ختنی هم از واژه سنسکریت متن اصلی استفاده شده و هم ترجمه ختنی آن. ۵) استفاد از معادل دخیل یا توضیح آن، در این شیوه برای آنچه در متن اصلی آمده‌است گاه معادلی که برگرفته از همان متن اصلی است انتخاب می‌شود و گاه با واژه‌هایی بومی آن صورت اصلی شرح داده می‌شود. ۶) توضیحات و شرح‌های بدون معادل، منظور از آن عبارت‌ها یا جمله‌هایی است که هیچ معادلی در متن اصلی ندارد و مترجم ختنی آنها را برپایه دانش خود به ترجمه افزوده‌است.

۱.۱.۱.۳. ترجمه ساده

این شیوه در ترجمه ختنی جیوکه‌پوستکه بسیار پرکاربرد است و غالباً در برگردان نام گیاهان و با سامدی کمتر در ترجمه نام بیماری‌ها به‌کار رفته‌است. البته به‌جز نام گیاهان و داروها و بیماری‌ها، این شیوه در برگردان دیگر اسامی (ذات و معنی)، صفات و فعل‌ها نیز به‌کار رفته‌است. در اینجا برای هرکدام از مقوله‌های واژگانی و ترجمه آنها مثالی می‌آوریم. در مثال‌های ذکرشده ابتدا ستاک واژه سنسکریت آمده و بعد از نشانه ← ترجمه ختنی آمده‌است. صورت‌های درون دو قلاب شکل صرف‌شده واژه‌های سنسکریت و ختنی‌اند.

«پشت» [pr̥ṣṭha- [pr̥ṣṭha]; «شیر» [ṣvīda- [ṣvīdana] → «شیر» [kṣīra- [kṣīreṇa]

→ brraha- [brraḥaḥña] «پشت»; dāḍima- [dāḍimam] «انار» → dr(r)āma- [drāma] «انار»; kāsa- [kāsa] «سرفه» → phāhā- [phāḥa] «سرفه»; namas- «احترام، تکریم» [namo] → aurgā- [aurga] «احترام، تکریم»; uṣṇa- [uṣṇena] «گرم» → gr(r)āmā- [grrāmye] «گرم»; vaks- [vakṣyāmi] «گفتن» → hvāñ- [hvāñū] «گفتن».

آنچه درباره این ترجمه‌های ساده می‌توان گفت این است که مترجم صرفاً به معنی واژه‌ها اکتفا کرده است و به دنبال معادل‌های هم‌ریشه نبوده است. برای مثال، علی‌رغم آنکه در خنتی ریشه فعلی nam- «خم شدن، نماز کردن» کاربرد داشته و با پیشوندهای متفاوتی مانند -ha, -bi, -pa, -uys به کار رفته و صورت اسمی nondā- «ستایش، کرنش» نیز از آن به‌جامانده است (نک: Bailey 1979: 173)، غالباً واژه خنتی aurg(g)ā- «احترام، تکریم» در ترجمه واژه سنسکریت namas- به کار رفته است (Ibid: 47).

۲.۱.۱.۳. معادل‌گزینی یکسان

از آنجاکه زبان سنسکریت از غنای واژگانی ویژه‌ای برخوردار است گاه برای یک مفهوم واحد ده‌ها واژه در آن وجود دارد. برای مثال، برای واژه «فیل» بیش از نود واژه در این زبان وجود دارد (نک: وبگاه <http://spokensanskrit.org>). اما همه زبان‌ها از جمله خنتی از چنین غنایی بهره‌مند نیستند، به همین دلیل در ترجمه خنتی این متن برای واژه‌های متفاوتی که به یک مفهوم اشاره دارند غالباً یک معادل انتخاب شده است. معادل‌های به‌کاررفته در ترجمه خنتی لزوماً واژه‌های بومی نیستند بلکه گاه وام‌واژه‌هایی از دیگر زبان‌ها از جمله سنسکریت و پراکریت هستند که برای برگردان یک واژه سنسکریت استفاده شده‌اند. استفاده از واژه‌های هندی در خنتی بسیار رایج بود و این واژه‌ها به‌فروانی هم در متون دینی و هم غیردینی به کار می‌رفتند.^۱ در اینجا برای هر دو دسته یعنی معادل‌های بومی و معادل‌ها دخیل در ترجمه خنتی مواردی را ذکر می‌کنیم.

۱. برای وام‌واژه‌ها و انواع آن در خنتی، نک: طامه ۱۳۹۶.

معادل‌های بومی:

واژه *ttūṃgara-* «زنجبیل» در جیوکه‌پوستکه در برگردان واژه‌های سنسکریت *-śṛṅgāra*، *-śṛṅgī-*، *-śṛṅgavera-*، *-nāgara-*، *-viśva-* و *-śunṭhī-* به کار رفته است. علاوه بر این واژه‌ها، *ttūṃgara-* در سیده‌ساره در برگردان *-ārdraka-* هم به کار رفته است (Bailey 1979: 130).
واژه *būhanā-* «گیاهی دارویی: اویارسلام» نیز در این متن در ترجمه واژه‌های سنسکریت *-ambuda-*، *-abda-*، *-mustaka-*، *-mustā-* و *-ghana-* به کار رفته است.
واژه «آب» *ūtca-* در این متن در ترجمه این واژه‌های سنسکریت به کار رفته است: *-ambu-*، *-udaka-*، *-jala-*، *-toya-* و *-vāri-*.
واژه «بیماری» *āchaa-* در برگردان این واژه‌های سنسکریت آمده است: *-āmaya-*، *-gada-*، *-vyādha/i-*، *-roga-* و *-vikāra-*.

معادل‌های دخیل:

واژه دخیل *cittraa-* «گیاهی دارویی: شیتره، شیتراک» که برگرفته از واژه سنسکریت *-citraaka-* است، در این متن علاوه بر آنکه در ترجمه صورت اصلی سنسکریتش به کار رفته، در ترجمه این واژه‌های سنسکریت هم معنی با آن هم استفاده شده است: *-agni-*، *-anala-*.
وام واژه *dūrālab(h)ā-* «ترنجبین» که دخیل از سنسکریت *-durālabhā-* در ختنی است، علاوه بر سنسکریت *-durālabhā-* در برگردان این واژه‌های سنسکریت هم معنی با آن نیز به کار رفته است: *-yāsa-*، *-yāsaka-*.
واژه دخیل *kaṇḍāryā-* که از طریق پراکرایت از سنسکریت *-kaṇṭakārī-* «بادنجان برّی» به وام گرفته شده است در ترجمه این واژه‌های سنسکریت که همه به معنی «بادنجان برّی» هستند به کار رفته است: *-kaṇṭakārī-*، *-vyāghrī-*، *-dhāvanī-*، *-kṣudrā-* و *-nidigdhikā-*.
yauga- «آمیزش» این واژه که دخیل از سنسکریت *-yoga-* به معنی «اختلاط، آمیزش، تماس» و از ریشه *-yuj-* «بستن» است (نک: Monier-Williams, 1899 854) در متون ختنی هم به صورت بسیط و هم در واژه‌های مرکب کاربرد داشته است. در بند ۴۶ جیوکه‌پوستکه در

متن اصلی واژه -maithuna «آمیزش، جفت کردن» آمده‌است، اما مترجم خنتی در اینجا به جای ترجمه واژه سنسکریت -maithuna با یک واژه بومی ترجیح داده تا از واژه‌ای دخیل که هم معنی با آن است استفاده کند. البته واژه -yauga در تحریر خنتی حاضر فقط یک بار به کار رفته‌است و آن هم در برگردان -maithuna.

۳.۱.۱.۳. ترجمه توضیحی

در متون پزشکی استفاده از اصطلاحات خاص و فنی بسیار رایج است. برای مثال، به جای نام بردن از اقلام متفاوت ترکیبی دارویی، نامی کلی که دربرگیرنده اقلام آن ترکیب است برای نامیدن مجموع آن داروها به کار می‌رود. از آن جمله است در فارسی اصطلاح دارویی چهارگل که معمولاً در اشاره به چهار گیاه بنفشه، پنیرک، ختمی، و گل سرخ به کار می‌رود. در متون پزشکی سنسکریت نیز چنین اصطلاحاتی رایج بوده‌است. در ترجمه این اصطلاحات سنسکریت در تحریر خنتی جیوکه‌پوستکه مترجم غالباً به جای استفاده از عنوان این اصطلاحات، اقلام متفاوت دارویی را که آن اصطلاح بدان اشاره داشته یک‌به‌یک ذکر کرده‌است. گاهی نیز در ترجمه برخی از اصطلاحات دارویی، شیوه تهیه آن به صورت مبسوط در ترجمه خنتی آمده‌است، حال آنکه در متن اصلی سنسکریت اشاره‌ای بدان نشده‌است. در اینجا به چند نمونه از این گونه ترجمه‌ها در تحریر خنتی اشاره می‌کنیم.

-daśa-mūla «ده‌ریشه». این اصطلاح در اشاره به ریشه ده گیاه متفاوت در این متن بارها به کار رفته‌است و مترجم خنتی غالباً به جای استفاده از این اصطلاح، ده گیاهی را که معرف آن هستند ذکر کرده‌است. بدین ترتیب واژه مرکب -daśa-mūla با ده واژه ترجمه شده‌است. ده واژه به کار رفته در ترجمه خنتی واژه‌های بومی نیستند بلکه همه آنها واژه‌های دخیل از سنسکریت هستند. این ده واژه عبارت‌اند از: -bela-mūla «ریشه بکرائی»، -agnimanthasyānāka «شیپوری»، -kaśmīrya-mūla «ریشه راش»، -pātala، -sāla، -parṇa «یونجه»، -prraśna-parṇa، -brrahatta «تاجرزی»، -kaṇḍāryā «بادنجان برّی»، -drrāṃgūlyā «خارخاسک».

از دیگر اصطلاحات سنسکریت که در ترجمه ختنی به جای معادل‌گزینی، توضیح و شرح داده شده‌اند می‌توان به این موارد اشاره کرد: -pañca-mūla «پنج‌ریشه» که نام پنج گیاه تشکیل‌دهنده آن در ترجمه ختنی آمده‌است. -tri-phalā لفظاً به معنی «سه‌میوه» است، اما منظور از این اصطلاح سه گونه متفاوت هلیله، بلبله و آمله است و در ترجمه ختنی نیز این سه گونه به صورت مجزا ذکر شده‌اند. -dvi-pañca-mūla لفظاً به معنی «دو پنج‌ریشه» و منظور از آن همان «ده‌ریشه» است. -br̥hatī-dvaya تحت‌اللفظ به معنی «دو (نوع) تاجریمی» است که در ترجمه ختنی نام هر دو گونه به صورت مجزا ذکر شده‌است.

گذشته از اصطلاحات فوق، در متن سنسکریت گاه شاهد عبارتهایی هستیم که در تحریر ختنی با توضیح و تفسیر زیادی ترجمه شده‌اند که اساساً برای آن توضیحات در متن اصلی قرینه‌ای وجود ندارد. از جمله این اصطلاحات است: -māṃsa-rasa به معنی عصاره/شیره گوشت». در ترجمه ختنی به جای آنکه این اصطلاح لفظاً ترجمه شود به مفهوم آن توجه شده و شیوه تهیه آن نیز ذکر شده‌است. بدین ترتیب اصطلاح -māṃsa-rasa «عصاره/شیره گوشت» غالباً چنین ترجمه شده‌است: *pasīṇa hvaśā . ṣa' hahvāṇa drim ṣaṃga* . *śimṅa harśta* . *uca jsa pāchai khu ra va haṣṭā* . «گوشت گوسفندی، این خرد کردنی است با آب [به اندازه] سه سنگه پختنی است تا آنکه هشت شینگه باقی ماند». البته در مواردی نیز -māṃsa-rasa در ترجمه ختنی با یک واژه (-ysama «آب گوشت») یا با یک عبارت (gūṣṭa hīvī raysā «عصاره گوشت») ترجمه شده‌است.

۴.۱.۱.۳. ترجمه دوگانه

گاه در تحریر ختنی برای ترجمه واژه‌ها یا اصطلاحات سنسکریت از شیوه خاصی استفاده شده‌است. این شیوه را که در اینجا دوگانه^۱ نامیده‌ایم نه فقط در ترجمه متون غیردینی بلکه در ترجمه متون دینی هم کاملاً معمول بوده‌است. در این شیوه در برگردان واژه‌ای از زبان مبدأ هم از صورت دخیل آن واژه در زبان مقصد و هم ترجمه آن واژه در زبان مقصد توأمان

1. dyadic

استفاده می‌شود. البته گاهی نیز بدین صورت است که دو واژه هم‌معنی در زبان مقصد برای ترجمه یک واژه زبان مبدأ توأمان استفاده می‌شود. در متون خنتی هر دو نوع این ترجمه کاربرد داشته‌است، البته در جیوکه‌پوستکه نوع نخست، یعنی واژه دخیل در کنار واژه بومی، به‌کار رفته‌است.

loha-liṅga «دُمَل پر خون، جوش یا کورکی که پر از خون است، کفگیرک». این واژه مرگب سنسکریت دو بار در متن جیوکه‌پوستکه به‌کار رفته‌است. در بند ۴.۳۰ این واژه با عبارت *hija haśa* که لفظاً به معنی «تورم سرخ» است ترجمه شده و در بند ۳.۸۰ نخست صورت دخیل *loha-liṅga* در خنتی به‌صورت *lāhalaiga* آمده و پس از آن با سه واژه *haśā pitta rajsāna* «تورم سرخ از صفرا» شرح داده شده‌است. اگر واژه *pitta* «از صفرا» را در عبارت مذکور به کنار بگذاریم *haśā rajsāna* را می‌توان «تورم سرخ» یا «سرخی از تورم» معنی کرد. واژه *loha-liṅga* مرگب است از *loha* «سرخ» و *liṅga* «جوش، دمل؛ نشانه» (نک: Monier-Williams 1899: 901, 908)، در ترجمه این واژه مرگب مترجم خنتی نخست ترکیب را شکسته و سپس به‌صورت لفظی برای هر کدام از اجزای آن برابری نهاده‌است. بدین ترتیب که برای *loha* واژه *rajsāna* «سرخ، سرخی» و برای *liṅga* «جوش، دمل» معادل *haśā* «تورم» را قرار داده‌است که این ترجمه با بند ۴.۳۰ نیز کاملاً مطابقت دارد.

۵.۱.۱.۳. استفاده از معادل دخیل یا شرح و توضیح آن

در این شیوه مترجم خنتی گاه به‌جای یک اصطلاح که در متن اصلی آمده‌است صورت دخیل آن واژه را در ترجمه به‌کار می‌برد و گاه با واژه‌هایی بومی یا دخیل، آن واژه یا اصطلاح خاص را شرح و توضیح می‌دهد. این شیوه در جیوکه‌پوستکه بیشتر در برگردان اصطلاحات دارویی به‌کار رفته‌است.

ttraphala- این واژه دخیل در ترجمه خنتی دو بار در برگردان واژه مرگب سنسکریت *tri-phalā* لفظاً به معنی «سه‌میوه» به‌کار رفته‌است. *tri-phalā* در سنسکریت غالباً در اشاره به سه

گیاه هلیله، بلبله، و آمله به‌کار رفته‌است و در ترجمه خُتنی نیز اغلب اصطلاح *tri-phalā-* با سه واژه خُتنی *halīraa-* «هلیله»، *vīhīlaa-* «بلبله»، و *āmalaa-* «آمله» ترجمه شده‌است. اما در بندهای ۶.۴ و ۶.۶۸ شاهد به‌کار بردن صورت *ttraphala-* در برگردان اصطلاح سنسکریت *tri-phalā-* هستیم. البته در بند ۶.۴ در متن اصلی عبارت *tri-phalā-dve* «دو سه‌میوه» آمده و در ترجمه خُتنی آن چنین آمده‌است: *ttraphala halīrā dva vīhīlā aumalai śvāṇa gūra kaśmīrya pārūṣā* «دو (گونه) سه‌میوه: هلیله، بلبله، آمله، انگور شوانیه، راش، پَروشکا». بنابراین، در این بند هم صورت دخیل آمده و هم شرح و تفسیر آن، اما در بند ۶.۶۸ برای اصطلاح *tri-phalā-* فقط معادل *ttraphala-* در ترجمه آمده‌است. *pāṇḍa-rauga-* «بیماری زردی». این واژه که دخیل از سنسکریت *pāṇḍu-roga-* است بارها با صورت‌های املائی متفاوت در ترجمه معادل‌های سنسکریتش یعنی *pāṇḍu-roga-* و *pāṇḍutā-* و *pāṇḍu-* به‌کار رفته‌است. اما در بندهای ۲.۲۵ و ۴.۳۸ به‌جای این اصطلاح سنسکریت از معادل خُتنی آن که عبارت است از *ysīdim āchīm* «بیماری زرد» استفاده شده‌است.

daśa-mūla- «ده‌ریشه». چنان‌که پیش‌تر ذکر کردیم در ترجمه این اصطلاح مترجم خُتنی به‌جای معادل‌گزینی غالباً نام ده گیاه طبی تشکیل‌دهنده آن را ذکر کرده‌است، اما در بندهای ۴.۴ و ۵.۵ همین اصطلاح سنسکریت را در ترجمه خُتنی آورده و پس از آن مطابق روال معمول در ترجمه این متن، نام ده گیاه را هم ذکر کرده‌است. بنابراین با توجه به شاهدهای ذکر شده می‌توانیم بگوییم میان دو شیوه ترجمه دوگانه و استفاده از معادل دخیل یا شرح و توضیح آن در این متن نوعی هم‌پوشانی وجود دارد.

۶.۱.۱.۳. توضیحات و شرح‌های بدون معادل

استفاده از توضیحات و شرح‌های بدون معادل از معمول‌ترین روش‌ها در ترجمه ارتباطی است، زیرا هدف اصلی از این شیوه صرفاً انتقال روشن پیام به خواننده‌است و وفادارای به متن اصلی در آن چندان اهمیتی ندارد. علاوه‌بر آنچه در شاهدهای فوق مانند آنچه در

بخش‌های تعریف اصطلاحات، ترجمه توضیحی، و ترجمه دوگانه نقل شد که نشانگر این امر است، موارد دیگری نیز وجود دارد که مترجم خنتی آنها را برای روان‌تر شدن ترجمه در تحریر خنتی افزوده است. از جمله این موارد شیوه ذکر نام گیاهان دارویی و بیماری‌ها و شیوه درمان آنهاست. بدین ترتیب که در متن سنسکریت، احتمالاً به سبب موزون بودن آن، نام گیاهان دارویی یا بیماری‌هایی که با دارویی خاص درمان می‌شود بدون هیچ‌گونه عبارت اضافه‌ای (مانند «این داروها را...» یا «این/چنین بیماری‌ها را درمان می‌کند»، و...) ذکر می‌شوند، اما در ترجمه خنتی برای روان‌تر شدن ترجمه، ابتدا جمله‌های توضیحی فوق که در متن اصلی معادل لفظی ندارند می‌آید و سپس مانند متن اصلی یک‌به‌یک نام داروها یا بیماری‌ها ذکر می‌شود. نمونه دیگر در توزین داروهای گیاهی دیده می‌شود، بدین ترتیب که در متن سنسکریت فقط یک واحد کلی برای توزین ذکر می‌شود اما در ترجمه خنتی به صورت دقیق‌تر به توزین آن مواد اشاره می‌شود. اما منظور ما از «توضیحات و شرح‌های بدون معادل» چنین مواردی نیست، بلکه به مطالبی اشاره دارد که اساساً هیچ‌گونه قرینه‌ای چه به لحاظ معنایی و چه به لحاظ لفظی در متن اصلی ندارد. این موارد را باید افزوده‌های مترجم به متن اصلی دانست که هدف از آن نه روشن شدن و درک متن اصلی بلکه افزودن مطالبی مرتبط با متن اصلی و افزایش سطح دانش پزشکی خواننده بوده است. در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

در بند ۵.۵ جیوکه‌پوستکه که برابر با ۵.۹۸ سیده‌ساره است پس از آنکه نام گیاهان دارویی ذکر می‌شود در متن سنسکریت چنین آمده است: *etad evākhlārti-ghnaṃ mahā-kalyāṇakaṃ smṛtam* «آن همه بیماری‌ها را نابود می‌کند، [این روغن] مشهور به مهاکلیانکه (*mahā-kalyāṇaka-*: بسیار شگرف) است» و در تحریر خنتی این بخش چنین ترجمه شده است:

ṣa' beva va pīrmāṭṭāmye ra haṣṭā baina āchā jaidā mahā-kalyāṇai nāma bausta ṣṭe . ttara jaida u sparśa' jsa hamya āchā jaidā : maṇḍalaṇa āna pāchai kalyāṇī rūṃ

آن، هشتاد بیماری بادی را در نخستین باد نابود می‌کند. با نام مهاکلیانکه (mahā-kalyāṇaka) شناخته شده‌است (smṛta-). تشنگی را نابود می‌کند و بیماری‌های (ārti-) به‌وجودآمده از تماس با دیورا نابود می‌کند. در مندل (گروهی) پختنی است روغن کلیانیکه (-kalyānika*).

چنان‌که در ترجمه فوق مشهود است، بخش‌هایی مانند درمان بیماری‌های بادی، تشنگی، درمان بیماری‌های به‌وجودآمده از موجودات مافوق طبیعی، و شیوه پختن روغن نه به‌لحاظ لفظی در متن اصلی معادلی دارد و نه به‌لحاظ معنایی و افزودن آنها به ترجمه خنتی نیز به‌منظور روان شدن ترجمه نبوده‌است بلکه صرفاً برپایه دانش مترجم از علم پزشکی عصر خود بوده‌است.

۲.۱.۳. ترجمه معنایی در تحریر خنتی

از آنچه تا کنون گفتیم مشخص است که ترجمه معنایی در تحریر خنتی جیوکه‌پوستکه اساساً مورد نظر نبوده‌است و دلیل این امر هم بدان سبب است که از یک‌سو این متن از زمره متون غیردینی است و از سوی دیگر متنی است که محتوای آن جنبه کاربردی و عینی داشته‌است، از این رو مترجم لزومی به پایبندی به متن اصلی و ویژگی‌های آن ندیده‌است و ترجمه‌ای کاملاً آزاد و روان از متن اصلی ارائه داده‌است. این عدم پایبندی به متن اصلی تا آنجا پیش می‌رود که حتی در بخش‌هایی که صرفاً فقط نام گیاهان یا داروها یا بیمارهای ذکر شده‌است ترتیبی که در نام بردن این موارد در متن سنسکریت دیده می‌شود غالباً رعایت نمی‌شود و اقلام ذکر شده پس و پیش می‌شود. با این حال، نمونه‌های اندکی را که می‌توان به‌نوعی آنها را از نوع ترجمه معنایی به‌شمار آورد صرفاً در هنگام ذکر نام گیاهان دارویی و گاه نام بیماری‌ها دیده می‌شود. در این موارد بدون افزودن واژه یا شرحی برای هر واژه متن اصلی یک واژه در ترجمه آمده‌است. برای مثال، در بند ۲.۵۰ در متن سنسکریت چنین آمده‌است:

balā dāru sthirā yaṣṭī rāsnailā puṣkaram vacā śvadamṣṭrā kuṣṭham pūtikam
śatāhvā sa-punarṇavā

و در خُتنی چنین ترجمه شده است:

sacha bāva divadāra sāla-parṇa mahābām̄jā laṅgara bāva sūṣmila: hūraṣṭā
āra drām̄gūlyai kūṣṭā pūttī-karam̄jā śatta-pūṣpā pūnarṇavā
ریشه پنیرک (balā-)، دیودار (dāru-)، یونجه (sthirā-)، شیرین بیان (yaṣṭī-)، ریشه
شیخ‌الربيع (rāsnā-)، هل ریز (elā-)، ریشه زنبق (pūṣkara-)، سازو (vacā-)، خارخاسک
(śvadamaṣṭrā-)، قُسط (kuṣṭha-)، پوتیکرنجه (pūtīka[rañja]-)، شوید (śatāhvā-)،
شبرنگی (sa-punarṇavā-).

چنان‌که از ترجمه فوق برمی‌آید مترجم دقیقاً برای هر واژه سنسکریت در ترجمه خُتنی
یک معادل، خواه بومی یا وام‌واژه، آورده است و ترتیبی را هم که در متن اصلی آمده کاملاً
رعایت کرده است و برخلاف موارد دیگر هیچ توضیح یا مطلب اضافه‌ای را هم به ترجمه
نیفزوده است، مگر آوردن واژه ریشه که در متن اصلی معادلی ندارد. البته موارد این‌چنینی در
ترجمه خُتنی جیوکه‌پوستکه بسیار کم است و در بیشتر موارد شاهد افزودن مطالبی خارج از
متن اصلی در ترجمه هستیم.

۲.۳. شیوه‌های ترجمه در تحریر خُتنی جیوکه‌پوستکه

در هر ترجمه‌ای خواه ارتباطی و خواه معنایی فنون و شیوه‌هایی به کار می‌رود که از آنها با
عنوان شیوه‌های ترجمه یاد می‌شود. این فنون و شیوه‌ها را با دو رویکرد کلی مستقیم و
غیرمستقیم بررسی می‌کنند. مهم‌ترین شیوه‌های ترجمه به طور کلی عبارت‌اند از وام‌گیری،
گرده‌برداری یا ترجمه قرضی، ترانهش، و تعدیل. در ترجمه خُتنی جیوکه‌پوستکه کمابیش این
شیوه‌ها دیده می‌شود که در ادامه به بررسی مختصر آنها می‌پردازیم.

۱.۲.۳. وام‌گیری

وام‌گیری در معنای کلی آن عبارت است از فرایندی که در طی آن یک زبان عنصر یا واحدی
را از زبانی دیگر قرض می‌گیرد. فرایند وام‌گیری غالباً در سطح واژگان زبان روی می‌دهد،
البته در سطوح دیگر زبان نیز وام‌گیری معمول است. وام‌گیری بنابر دلایل متفاوت زبانی و

غیرزبانی روی می‌دهد و شیوه و نحوهٔ اخذ آن نیز می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم باشد. منظور از مستقیم آن است که یک زبان بدون واسطه واحدی زبانی را از زبان دیگر به طور مستقیم اخذ کند و منظور از غیرمستقیم آن است که از طریق واسطه‌ای (یعنی زبانی دیگر) آن واحد زبانی را به وام گیرد. در زبان خنتی به سبب تفوق دین بودایی و فرهنگ هندی وام‌گیری از زبان سنسکریت به صورت مستقیم و غیرمستقیم معمول بوده است. در جیوکه‌پوستکه نیز که متنی پزشکی است به سبب تخصصی بودن متن، وام‌گیری کاملاً مشهود است و هر دو گونهٔ مستقیم و غیرمستقیم در آن شاهدهایی دارد. عمدهٔ وام‌گیری‌ها دربارهٔ نام گیاهان و دیگر اصطلاحات فنی‌ای است که زبان خنتی فاقد آنها بوده است و در برگردان آنها یا همان صورت سنسکریت (وام‌گیری مستقیم) به کار رفته یا صورت پراکریت (وام‌گیری غیرمستقیم) آن واژهٔ سنسکریت که در آسیای میانه معمول بوده است. در اینجا به ذکر چند مثال از وام‌گیری در این متن اکتفا می‌کنیم.

وام‌گیری مستقیم: ابتدا صورت سنسکریت واژه و پس از نشانهٔ → صورت دخیل آن را در خنتی ذکر کرده‌ایم. برخی از تفاوت‌های ظاهری میان صورت سنسکریت و خنتی واژه‌های زیر صرفاً به دلیل ویژگی‌های رسم‌الخط یا دستگاه صرفی متفاوت خنتی نسبت به سنسکریت است.

agada- → agadā- «پادزهر؛ دارو»؛ aṅga- → aṅga- «اندام، عضو»؛ ajita- → ajitta- «مرهم/ضماد»؛ añjana- → aṅjana- «نام روغنی دارویی، لفظاً: شکست‌ناپذیر»؛ apasmāra- → apasmāra- «صرع، غش»؛ apāmārga- → apāmārga- «استبرق (نام گیاهی)»؛ arka-kṣīra- → arka-kṣīra- «تاج‌خروس (نام گیاهی)»؛ ardhāvabhidaka- → ardhāvabhedaka- «فلج نیمی از تن»؛ aśuci- → aśūca- «کاکنج (نام گیاهی)»؛ aśvagandhā- → aśvagandhā- «نجاست، مدفوع»؛ ānāha- → ānāha- «یبوست»؛ eraṇḍa- → īraṇḍa- «کرچک» (→ Konow, 1941, 85-104).

وام‌گیری غیرمستقیم: این واژه‌ها همه برگرفته از گونه‌های پراکریت رایج در آسیای میانه‌اند. در این بخش نیز ابتدا صورت سنسکریت واژه و پس از نشانهٔ → صورت خنتی

واژه ذکر شده است.

aruci- → arruśa'- «بی‌اشتهایی»؛ arśas- → arrja- «(بواسیر)»؛ paripalāka- → parvālaa- «(روح نگهبان)»؛ vāstūka- → bāstūla- «(سلمک (نام گیاهی))»؛ viḍalavaṇa- → bīdalūm «(نام روغنی دارویی)»؛ mahā-vaideha- → mahāveṭī- «(نوعی نمک: نمک سیاه)»؛ mācikā- → māśa'kyā- «(کنف (نام گیاهی))»؛ ratana- → raṇna- «(جوهر، جواهر)»؛ rasa- → raysa- «(شیره، عصاره)»؛ vedanā- → vīnā- «(درد، رنج)»؛ viyoni- → vīśū'na- «(بد، خمیر، ضماد)»؛ kalka- → keka- «(بلیله (نام گیاهی))»؛ vaheḍaka- → vīhīlaa- «(شر)» (Ibid).

۲.۲.۳. گرده‌برداری یا ترجمه قرضی

این شیوه که خود نوعی از وام‌گیری به‌شمار می‌آید عبارت است از فرایندی که در آن به‌جای معادل‌یابی برای واژه‌های متن اصلی، آن واژه‌ها تحت‌اللفظ ترجمه می‌شوند. بدین ترتیب از طریق گسترش معنایی یک واژه بومی برای ترجمه مفهومی تازه به‌کار می‌رود و علاوه‌بر معنی اصلی دارای معنی دیگری هم می‌شود. در ترجمه خُنتی جیوکه‌پوستکه نیز این شیوه به‌کار رفته است که چند مثال برای آن در ادامه ذکر می‌کنیم.

واژه khuysaa- در خُنتی به معنی «وزغ؛ لاک‌پشت» است (نک: Bailey 1979: 75)، اما این واژه در بند ۵۹ جیوکه‌پوستکه در ترجمه واژه سنسکریت maṇḍūkī- به‌کار رفته است. maṇḍūkī- در سنسکریت معانی متفاوتی مانند «وزغ، وزغ‌سان؛ نام چندین گونه گیاهی» دارد (نک: Monier-Williams 1899: 776). بنابراین واژه خُنتی khuysaa- که با فرایند قلب مشتق از ایرانی باستان *kasyapa- «(لاک‌پشت)» (قس اوستایی -kasyapa- «(لاک‌پشت)») است (Bailey 1979: 75) احتمالاً بدین سبب که در سنسکریت maṇḍūkī- به معنی «وزغ» برای نامیدن گیاهان هم رواج داشته، در اینجا در قیاس با متن سنسکریت، گسترش معنایی یافته و به معنی نوعی گیاه «آب‌بشقاب» به‌کار رفته است.

švīda- این واژه در خُنتی به معنی «شیر» و مشتق از ایرانی باستان *xšvifta- (قس

اوستایی -xšvīpta («شیر») است (Bailey 1979: 415). صورتی از این واژه به صورت svīdā در بندهای ۷ و ۴۱ جیوکه‌پوستکه در ترجمه واژه سنسکریت -payasyā به کار رفته است. واژه -payasyā در سنسکریت که مشتق از کلمه -payas («شیر») است، علاوه بر معنی «شیری» در معانی دیگری مانند «شیر دلمه شده؛ نام چندین گونه گیاهی» هم کاربرد داشته است (نک: Monier-Williams 1899: 586). بنابراین مترجم ختنی در اینجا نیز با قیاس با متن سنسکریت از طریق گسترش معنایی و ترجمه قرضی، کلمه -ṣvīda ختنی را در یک معنای کاملاً نو برای نامیدن یک گونه گیاهی خاص به کار برده است.

۳.۲.۳. ترانهش

این شیوه در ترجمه به تفاوت‌های دستوری میان زبان متن اصلی و متن ترجمه بازمی‌گردد. به بیان دیگر در زبان متن اصلی ممکن است ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی باشد که زبان متن ترجمه فاقد آن ویژگی‌ها باشد یا آن ویژگی یا ویژگی‌ها در زبان مقصد چندان زایا نباشد. از این رو، مترجم مجبور می‌شود تا آن ویژگی‌های زبان مبدأ را با ویژگی‌های دیگری در زبان خود جایگزین کند تا آن مفهوم مورد نظر را انتقال دهد. برای مثال، در برخی از زبان‌ها مانند سنسکریت شمار مثنی وجود دارد و این شمار با شناسه صرفی خاصی بیان می‌شود. برای انتقال این مفهوم به زبانی که فاقد شمار مثنی است یا باید آن را با شمار جمع ترجمه کرد یا باید عدد دو را پیش از آن مفهوم آورد یا به شیوه‌ای دیگر آن را بیان کرد. علی‌رغم تصریفی بودن ختنی، این زبان به لحاظ دستگاه صرفی برابر و یکسان با سنسکریت نیست، از این رو در ترجمه ختنی شاهد استفاده از ترانهش در بخش‌هایی از ترجمه هستیم که برخی از آنها را در اینجا برای نمونه ذکر می‌کنیم.

در متن سنسکریت جیوکه‌پوستکه در برخی از موارد به جای آنکه نام دو گونه از گیاهی خاص ذکر شود نام آن گیاه در شمار مثنی آمده است. از آنجاکه زبان ختنی فاقد این ویژگی است مترجم ختنی در این مواقع چاره‌ای جز آن ندیده که نام هر دو گیاه را در ترجمه بیاورد. از جمله این موارد است: mide این واژه نام گیاهی دارویی است و در شمار مثنی صرف شده

و به دو گونه این گیاه اشاره دارد، مترجم خنتی برای ترجمه این واژه به جای به‌کاربردن عدد دو یا استفاده از شمار جمع نام دو گونه آن یعنی *mida-* و *mahāmida-* را تک‌تک ذکر کرده‌است. مثال‌های دیگر از این دست عبارت‌اند از: *śrīve* (*śārava* / *prraśnaparṇā* / *sālaparṇā*) *parṇyau*، *candane* «سندل» (*śī camḍam* / *śī camḍam*)، *himṇim camḍam*). این شیوه در ترجمه واژه‌های مثنای سنسکریت را می‌توان به‌نوعی از دسته ترجمه توضیحی نیز به‌شمار آورد.

۴.۲.۳. تعدیل

در این شیوه از ترجمه، مفهوم بیان‌شده در ترجمه با متن اصلی برابر است، اما شیوه بیان آن متفاوت با متن اصلی است. برای مثال ممکن است یک مفهوم در یک زبان با جمله‌ای مثبت بیان شود اما همان مفهوم در زبانی دیگر با جمله‌ای منفی بیان شود. این شیوه در واقع نوعی اجتناب از ساخت‌های خاص زبان مبدأ در ترجمه است که سبب نارسایی ترجمه برای اهل آن زبان می‌شود. در ترجمه خنتی جیوکه‌پوستکه نیز علی‌رغم آنکه در سطح واژگان تأثیر زبان سنسکریت کاملاً مشهود است شواهدی از شیوه تعدیل در برخی از بخش‌های ترجمه دیده می‌شود که برخی از آنها را در اینجا می‌آوریم.

در جمله چهارم از بند بیست‌وچهار (۴.۲۴) جیوکه‌پوستکه در متن اصلی چنین آمده‌است: *krṣa-durbala-nāśanaś ca* «نابودکننده لاغر(ی)، ناتوان(ی) است و...»، این جمله در تحریر خنتی چنین ترجمه شده‌است: *cū gauda ī ttū tvāṇe cū bava-hauva* «اگر لاغر باشدی او را فربه می‌کند، اگر کم‌نیرو (باشدی) برای او نیروی خوب به‌وجود می‌آورد». همان‌طورکه از این ترجمه مشخص است، مترجم به‌جای به‌کار بردن «نابود کردن» یا «درمان کردن» (معادل واژه *nāśana-* «نابودکننده») برای دو بیماری «لاغری» و «ناتوانی» به‌ترتیب از عبارت‌های «فربه کردن» و «نیروی خوب به‌وجود آوردن» استفاده کرده‌است. بنابراین، علی‌رغم تفاوت در نحوه بیان هیچ تفاوتی در بیان مفهوم میان دو تحریر سنسکریت و خنتی وجود ندارد.

۴. خطاها و کاستی‌ها در ترجمه ختنی جیوکه‌پوستکه

هرچند این بخش به‌طور مستقیم ارتباطی با موضوع این مقاله ندارد، از آنجاکه اشتباه و کاستی بخش جداناپذیر هر ترجمه‌ای است در اینجا به مواردی از بدفهمی‌ها و بی‌دقتی‌های مترجم ختنی که منجر به اختلاف با متن اصلی شده‌است اشاره می‌کنیم. بخشی از این اشتباهات به‌سبب درک نادرست متن سنسکریت است و بخشی نیز به‌علت عدم دقت در برگردان همه واژه‌های متن اصلی است. البته تعداد این اشتباهات اندک است و خدشه‌ای بر کلیت ترجمه ختنی وارد نمی‌سازد.

مواردی که در ترجمه ختنی از قلم افتاده‌است، غالباً، واژه‌هایی هستند که به نام داروها و بیماری‌ها اشاره دارد. البته در چند مورد نیز جمله یا جمله‌هایی در برخی از بندها کاملاً در ترجمه از قلم افتاده‌است. از آن جمله می‌توان به بندهای ۴، ۲۸، ۳۵، ۴۴، ۴۷، ۶۸، ۷۹، ۸۹ اشاره کرد. همچنین، بند ۹۳ در تحریر سنسکریت به‌صورت ناقص آمده و در ترجمه ختنی به‌طور کامل نادیده گرفته شده‌است. از آنجاکه ذکر این موارد در این مقاله مختصر ضرورتی ندارد از آوردن شاهد برای این‌گونه موارد خودداری کردیم.

در بند ۵ جیوکه‌پوستکه که برابر با بند ۹۷ از فصل پنجم سیده‌ساره (برای متن سنسکریت و ترجمه تبتی آن، نک: Emmerick 1980; 1982) است، پس از ذکر شیوه تهیه روغن دارویی کلیانکه به فواید این دارو اشاره شده و چنین آمده‌است: *etat kalyāṇakaṃ nāma bala-varṇa-prajā-karam* «این [روغن] با نام کلیانکه نیرو، رنگ‌ورو و فرزند به‌وجود می‌آورد». در تحریر ختنی این بخش چنین ترجمه شده‌است:

ṣa' rūṃ kalyāṇai nāma hauva padīme u cha śairka brrāvauṣṭa jaida : hūna padīme

این (*etat*) روغن با نام کلیانکه (*kalyāṇaka*-) نیرو (*bala*-) و رنگ‌ورویی (*varṇa*-) نیک به‌وجود می‌آورد، بیداری (= بی‌خوابی) را نابود می‌کند و خواب به‌وجود می‌آورد.

همان‌طورکه از ترجمه ختنی مشخص است، مترجم معنی همه واژه‌ها را به‌درستی فهمیده است مگر ترکیب *prajā-karam* که متشکل از *prajā*- «فرزند، زادوولد» و *karam*

«کننده، به وجود آورنده» است. چنان‌که از ترجمه خنتی *brrāvausta jaida : hūna* «بیداری (= بی خوابی) را نابود می‌کند، خواب به وجود می‌آورد» برمی‌آید مترجم در اینجا خطا کرده و ترکیب سنسکریت *prajā-karam* را به اشتباه *prajāgara* «بیداری» خوانده و به همین سبب در تحریر خنتی ترجمه فوق را برای آن آورده است.

در بند ۲۸ جیوکه‌پوستکه که برابر با بند شصت از فصل ۲۶ سیدده‌ساره (برای متن سنسکریت و ترجمه تبتی آن، نک: 1982; 1980; Emmerick) است، پس از نام بردن از داروهای لازم در متن سنسکریت چنین آمده است: *timirāṇy acirād dhanyāt pītam etan niśā-* «نوشیدن آن، در غروب، آب مروارید را، بی‌درنگ، درمان می‌کند». در تحریر خنتی این بخش چنین ترجمه شده است:

tcīṇa ttamīra jīmḍa u bīśūṇa āchā khu ttū rūṃ khāśīdi iha' rāha' jīmḍa
در چشم آب مروارید (-*timira*) را نابود می‌کند (*dhanyāt*) و همه‌گونه بیماری‌ها را.
هنگامی که این روغن را می‌نوشند (*pītam etan*) در دهان درد را نابود می‌کند.

گذشته از توضیحات اضافه‌ای مانند «این روغن را»، «همه‌گونه بیماری‌ها را» که برای روانی متن در ترجمه اضافه شده است، مترجم خنتی اینجا نیز در فهم متن دچار لغزش شده است و عبارت *niśā-mukhe* را که لفظاً به معنی «در آغاز شب» یا «در غروب» است به سبب معنی اصلی واژه *mukha* «دهان» در سنسکریت، آن را بدین صورت ترجمه کرده است: *iha' rāha' jīmḍa* «در دهان درد را نابود می‌کند». گفتنی است امریک برای نخستین بار به این نکته اشاره کرده است (Emmerick 1979: 243).

در بند ۲۹ جیوکه‌پوستکه که تقریباً برابر است با بندهای ۶۲ تا ۶۴ از فصل ۲۶ سیدده‌ساره صحبت از بیماری‌های گوش است و در متن سنسکریت این بخش چنین آمده است: *karṇayoḥ śūla-bādhīrya-nāda-srāvāḥ samīraṇāt* «[هنگامی که] در دو گوش دردها، کری، صدا، ترشح از باد است»، در تحریر خنتی این بخش چنین ترجمه شده است:

gvaṇa vīna jīmḍā ca kāra ttiyī gva prahāji haysgvā bisā āchā jīmḍa

در گوش (-kaṛṇa) دردها (-śūla) را نابود می‌کند، گوش‌های او را که کر (-bādhīrya) است باز می‌کند، در منخرها بیماری‌ها را نابود می‌کند.
چنان‌که ملاحظه می‌شود در اینجا ترجمه خنتی کاملاً مطابق با اصل سنسکریتش نیست و مترجم مرتکب چند اشتباه شده‌است. نخست آنکه واژه سنسکریت -nāda «صدا، صدای بلند، سروصدا» را به اشتباه برابر با واژه سنسکریت -nāsā «بینی، منخر» فرض کرده و برای آن در ترجمه واژه خنتی haysgvā «در منخرها» را آورده و سپس توضیحی را هم از پیش خود بدان افزوده و بدین ترتیب کلمه -nāda را به اشتباه haysgvā bīsā āchā jīm̄da «در منخرها بیماری‌ها را نابود می‌کند» ترجمه کرده‌است. دیگر آنکه دو واژه srāvāḥ «ترشح» و samīraṇāt «از باد» را هم به کلی نادیده گرفته و در ترجمه نیاورده‌است.

۵. نتیجه‌گیری

از بررسی شواهد ذکرشده در این مقاله به خوبی مشخص است که در ترجمه جیوکه‌پوستکه به خنتی سعی بر آن بوده‌است تا متنی قابل فهم و روان برای خواننده خنتی‌زبان فراهم شود. اما به سبب به‌کار بردن اصطلاحات خاص و فنی مترجم مجبور بوده‌است تا گاه از همان واژه‌های سنسکریت متن اصلی یا صورت‌های دخیل آنها که در آسیای میانه رایج بوده‌است استفاده کند. البته در اینجا نیز مترجم سعی کرده‌است برای ترجمه نام گیاهان ناآشنای سنسکریت که معادل بومی در خنتی نداشته‌است، از مترادف‌های سنسکریت آنها استفاده کند که برای خنتی‌زبانان شناخته‌تر بودند. همچنین تمهید دیگری که برای ترجمه اصطلاحات فنی در ترجمه خنتی به‌کار رفته توضیح و شرح آن اصطلاحات بوده‌است. روی هم رفته می‌توان ترجمه خنتی جیوکه‌پوستکه را ترجمه‌ای روان دانست که علی‌رغم آوردن توضیحات و شرح‌های اضافی با متن اصلی هماهنگی داشته و خطاها و کاستی‌های موجود در آن نیز بسیار کم و ناچیز است و این امر نشان‌دهنده آن است که مترجم خنتی با زبان سنسکریت کاملاً آشنا بوده و نیز از دانش پزشکی آیوروده آگاهی جامعی داشته‌است.

منابع

- أرانسکی، یوسیف میخائیلوویچ، ۱۳۸۶، زبان‌های ایرانی، ترجمه علی‌اشرف صادقی، تهران.
رضائی باغبیدی، حسن، ۱۳۸۸، تاریخ زبان‌های ایرانی، تهران.
صفوی، کورش، ۱۳۸۸، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران.
طامه، مجید، ۱۳۹۵، «آیوروده یا طب سنتی هند در متون خُتنی»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، س ۶، ش ۱، ص ۶۹-۸۷.
_____، ۱۳۹۶، «بررسی وام‌واژه‌ها در زبان خُتنی»، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، س ۶، ش ۷، ص ۵۱-۷۴.
_____، ۱۳۹۷، «اوزان و واحدهای اندازه‌گیری در زبان خُتنی»، مجله مطالعات ایرانی، س ۱۷، ش ۳۴، ص ۱۳۷-۱۶۱.

Bailey, H.W., 1979, *Dictionary of Khotan Saka*, London.

_____, 1982, *The Culture of the Saka in Ancient Iranian Khotan*, New York.

_____, 1983, "Khotanese Saka Literature", *The Cambridge History of Iran*, vol. 3 (2), *The Seleucid, Parthian and Sasanian Periods*, ed. E. Yarshater, Cambridge, pp. 1230-1243.

Bell, R. T., 1993, *Translation and Translating Theory and Practice*, London.

Catford, J. C., 1978, *A Linguistic Theory of Translation*, Oxford.

Degener, A., 1989, "Zur Übersetzungstechnik in der khotanischen Vajracchedikā", *ZDMG* 139, pp. 346-367.

Emmerick, R. E., 1968, *The Book of Zambasta*, London.

_____, 1979, "Contributions to the Study of the 'Jivaka-Pustaka'", *BSOAS* 42, no. 2, pp. 235-243.

_____, 1980, *The Siddhasāra of Ravigupta, vol. 1: The Sanskrit Text*, Wiesbaden.

_____, 1982, *The Siddhasāra of Ravigupta, vol. 2: The Tibetan Version with Facing English Translation*, Wiesbaden.

_____, 1983, "Some Remarks on Translation Techniques of the Khotanese", *Sprachen des Buddhismus in Zentralasien: Vorträge des Hamburger Symposions vom 2. Juli bis 5. Juli 1981*, Wiesbaden, pp. 17-26.

_____, 1992, "The Savastika Antidote", *Journal of the European Āyurvedic Society* 2, pp. 60-81.

_____, 2009, "Khotanese and Tumshuqese", *The Iranian Languages*, ed. G.

- Windfuhr, London and New York, pp. 377-415.
- Fawcett, P., 1997, *Translation and Language*, Manchester.
- Konow, S., 1941, *A Medical Text in Khotanese* (CH. II 003 of the India Office Library), Oslo.
- Kumamoto, H., 2012, “Textual Sources for Buddhism in Khotan”, *Sino-Platonic Papers*, n. 222: *Buddhism across Boundaries (The Interplay of Indian, Chinese, and Central Asian Source Materials)*, ed. J. R. McRae and J. Nattier, Pennsylvania, pp. 142-149.
- Monier-Williams, M., 1899, *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford.
- Skjærvø, P. O., 2004, *This Most Excellent Shine of Gold, King of Kings of Sutras: The Khotanese Suvarṇabhāsottamasūtra*, 2 vols., Harvard.

وبگاه اینترنتی

http://spokensanskrit.org/index.php?tran_input=elephants,&direct=es&script=ia&link=yes&mode=3